



۵۴



درباره بنای هویتی کوچه سعدی ۳ که چند نسل از «سرابی‌ها» در آن ساکن بودند

رد پای روضه ۱۸۰ ساله در خانه «اصالت»

از عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

فاطمه ماهری در کوچه پس‌کوچه‌های رباط طرق
از گذشته یاد می‌کند

گذر عمر بر لب جوی

۶



۲

اهالی محله هفده شهریور از مشکلشان
در خیابان هدایت می‌گویند
به سرعت‌گاه راضی هستیم

۷

محمد زمانی از خاطره پیدا شدن تلفن همراهش
در یکی از محلات حاشیه شهر می‌گوید
حل شدن مشکل «یار مهربان»



اهالی محله هفده شهریور از مشکلشان در خیابان هدایت می گویند

به سرعت کاه راضی هستیم

سمیرا منشادی اهالی محله هفده شهریور که در تقاطع خیابان های هدایت و شهید سالم رفت و آمد دارند، می دانند که ترافیک بخش جدانشدنی این خیابان است: ترافیکی که در زمان بازگشایی مدارس و بعد از ظهرها اهالی را بیشتر کلافه می کند. آنان ترافیک را پذیرفته اند و خواسته شان به نصب سرعت کاه محدود شده است تا لااقل بچه های مدرسه ای در تردد بی امان خود روها در خطر نباشند.



● بازار، عامل ترافیک

مصطفی رضازاده سیدی که از ساکنان این محله است، می گوید: افراد بسیاری را در محله خودمان می شناسم که از کاسبان بازار رضا^(۴) یا بازارهای اطراف هستند. رفت و آمد آن ها به محل کار و منزل و همچنین تردد شهروندانی که برای خرید به این بازارها می روند، یکی از دلایل ترافیک هر روز این خیابان است.

او که خودش بارها گرفتار ترافیک شده است، یکی دیگر از دلایل بروز این وضعیت در تقاطع خیابان شهید سالم و هدایت را این گونه توضیح می دهد: خیابان هدایت ۳ مغازه های تجاری بسیاری دارد. هر روز اهالی برای خرید هایشان به این بازار محلی مراجعه می کنند. ایستادن یک ماشین به شکل دویل به ترافیک دامن می زند.

رضازاده با اشاره به تصادف ها و درگیری هایی که رانندگان با یکدیگر دارند، می گوید: بارها شاهد بوده ام که رانندگان برای سبقت از یکدیگر، کارشان به دشنام و درگیری رسیده است. با اینکه اینجا خیابان اصلی نیست، باید برای روان سازی ترافیک اقدام مؤثری صورت بگیرد.

باسهیلا پاسبان بعد از اینکه خود رویش را پارک می کند، گفت و گو می کنم. او هر روز دخترش را به مدرسه می رساند و ترافیک این قسمت به گفته خودش برایش عادی شده است. پاسبان می گوید: بیشترین میزان ترافیک در این محدوده، مربوط به زمان تعطیل شدن مدارس این خیابان است.

او که هر روز مسیرش خیابان هدایت است، ادامه می دهد: این خیابان ها قدیمی و عرضشان کم است. بیشتر خانواده ها هم دوست دارند مقابل مدرسه، فرزندشان را سوار و پیاده کنند؛ به همین دلیل ترافیک اینجا تمامی ندارد.

پاسبان به گذاشتن سرعت کاه در مقابل دبستان دخترانه های ۲ اشاره می کند و می گوید: گذاشتن سرعت کاه و تابلوهای بیشتر برای مشخص کردن وجود مدرسه در اینجا ضروری است.

● خیابان پر تردد و ترافیک خیز

عضو شورای اجتماعی محله هفده شهریور از ساکنان این محله، درباره دلیل ترافیک در خیابان هدایت و شهید سالم می گوید: رانندگانی که می خواهند از بار ترافیکی تقاطع فدائیان اسلام و چمن عبور کنند، وارد خیابان هدایت می شوند و از طریق خیابان هدایت به سمت خیابان یاران، سپس شهید صدر، مسیر خود را ادامه می دهند.

رضا حکیم زاده ادامه می دهد: علاوه بر همسپهریانی که از این طریق تعیین مسیر می کنند، عبور و مرور افراد محلی هم بر میزان ترافیک اضافه می کند. از این رو هنگام وارد شدن به خیابان یاران و حرکت به سمت خیابان هدایت با ترافیک سنگینی روبه رو هستیم.

او با اشاره به اینکه در انتهای خیابان یاران آیلند نصب شده است، بیان می کند: در گذشته برای روان تر شدن و آرام سازی در انتهای خیابان یاران، بادرخواست اهالی آیلند نصب شد. اما با هم شاهد ترافیک هستیم.

این عضو شورای اجتماعی محله هفده شهریور می افزاید: ایمن سازی پیاده رو و نصب سرعت کاه از جمله درخواست های اهالی از شهرداری است. ما هم به عنوان نمایندگان اهالی، پیگیر خواسته شان هستیم.

● بررسی کارشناسی برای نصب سرعت کاه

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک منطقه ۷ درباره این مشکل می گوید: برای نصب سرعت کاه باید بررسی صورت بگیرد. تاکنون نامه یا درخواستی از سوی شهروندان مبنی بر ترافیک و ایجاد مشکل به دستان نرسیده است.

جواد عباسی بیان می کند: برای بررسی مشکل، باید نامه ای از سوی اعضای شورای اجتماعی محله هفده شهریور به شهرداری منطقه ۷ ارجاع شود تا کارشناس مربوطه برای بررسی بیشتر، موضوع را در دستور کار قرار بدهد.

او ادامه می دهد: اگر نصب سرعت کاه از سوی کارشناس تأیید شود، با توجه به اینکه مدرسه در آن محدوده وجود دارد، این اقدام در اولویت اجرا قرار می گیرد.

برگزاری جشن روز کودک در بوستان ریحانه

لحظات شاد مادر، فرزندی

منشادی روز جهانی کودک فرصتی برای توجه به شادی کودکان است؛ به همین منظور جشنی در بوستان ریحانه برگزار شد و کودکان در این برنامه، درباره موضوعاتی مانند توجه به طبیعت نقاشی کشیدند و جایزه گرفتند. این ویژه برنامه با مشارکت حوزه ۲ نجمه شهرداری منطقه ۷ مشهد و با هدف تقویت خلاقیت و نشاط اجتماعی کودکان برگزار شد. نزدیک به پنجاه کودک با مادرانشان در این جشن شرکت و در فضایی صمیمانه اوقات خوشی را سپری کردند.



اتصال بولوار ساعی به شهدای طرق

با حضور ایمان فرهنگمدی عضو شورای شهر مشهد، رضادآوری شهردار منطقه ۷، معتمدین محلی و... جلسه ای در دفتر توسعه پهنه طرق برگزار شد. در این نشست، مهم ترین موضوعات عمرانی و شهری محله، از جمله پیگیری ایجاد روشنایی در ورودی شهرک طرق و اتصال بولوار شهید ساعی به بولوار شهدای طرق بررسی و راهکارهای اجرایی آن مطرح شد.



از نام گذاری زمین ورزشی تارفع ترافیک پمپ بنزین

جلسه شورای اجتماعی محله عسکریه در مسجد امام حسن عسکری^(ع) این محله برگزار شد. در این نشست، موضوعات مختلفی از جمله نام گذاری زمین ورزشی شهرک و تغییر ورودی پمپ بنزین مطرح شد. همچنین اجرای پویش «مشهد مهربان» و طرح «مغز بادام» در محله، شناسایی ظرفیت های محله و ایجاد بانک اطلاعاتی محله بررسی شد.

گپ و گفت طرقی ها با نماینده مجلس

ملاقات مردمی حجت الاسلام والمسلمین نصر... پژمان فر، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، در مسجد امام حسین^(ع) محله طرق برگزار شد. رضادآوری، شهردار منطقه ۷ و جمعی از مدیران شهری، نیز در این جلسه حضور داشتند. در این نشست، ساکنان محله به بیان مشکلات در زمینه های عمرانی و خدماتی پرداختند.

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



توجه به کودکان بازمانده از تحصیل

باهمراهی اهالی محله امام خمینی^(ع) و نمازگزاران مسجدالمهدی^(عج) مبلغ ۲۸ میلیون تومان برای خرید نوشت افزار در قالب پویش «مشهد مهربان» جمع شد. هفتاد بسته نوشت افزار شامل جامدادی، دفتر، کوله پشتی، مداد، خودکار، مداد رنگی و... باین مبلغ خریداری شد تا باین کودکان بازمانده از تحصیل، توزیع شود و دغدغه سال تحصیلی را برای خانواده های نیازمند کم کند.



صبح ورزشی بازنشستگان در کوهسنگی

حدود پنجاه نفر از بازنشستگان شرکت توزیع برق مشهد روز سه شنبه هفته گذشته مانند سال پیش در بوستان کوهسنگی گرد هم آمدند تا با انجام حرکات ورزشی، صبح خود را با نشاط و انرژی آغاز کنند. این برنامه شامل تمرینات سبک کششی و نرمشی همراهی با پیاده روی برای تقویت سلامت جسمی و روحی بازنشستگان بود که در فضایی پر نشاط و دوستانه برگزار شد.

مهربانی اهالی محله امام رضا(ع)

در ادامه فعالیت های نیکوکارانه خیران محله امام رضا^(ع)، اقلامی همچون یخچال، فرش، بخاری، پوشاک و سایر لوازم ضروری زندگی برای اهدا به نیازمندان جمع شد. برخی از این وسایل نو یا در حد نو بودند و از سوی اهالی اهدا شدند. گفتنی است این کمک ها به مسجد عباسی منتقل شد تا در اختیار خیریه «سردار کربلا» قرار گیرد و بنا به نیاز خانواده های نیازمند بین آنها توزیع شود.

نمایش توانمندی بانوان در مجتمع یاس فاطمی

بازارچه بانوان کارآفرین در مجتمع فرهنگی، آموزشی و ورزشی یاس فاطمی برگزار شد تا بانوان هنرمند محله شهید بهشتی با محصولاتمانند لواشک، ترشی، گیاهان معطر، غذاهای خانگی، سبزیجات خشک، زیورآلات دست ساز و صنایع دستی، توانمندی های خود را به نمایش بگذارند. این بازارچه همراه با هدف حمایت از بانوان کارآفرین و کم برخورداری در این مجتمع برگزار می شود. کارآفرینان علاقه مند به حضور در این بازارچه می توانند به مجتمع فرهنگی یاس فاطمی مراجعه و ثبت نام کنند.



حوزه فنی و عمران، در صدر تماس های مردمی با ۱۳۷



حوزه فنی و عمران

۶ تماس در این حوزه برقرار شد. در یکی از تماس ها، شهروندی درخواست کرد کوچه چهنوا به دلیل مزاحمت های ترافیکی و بدشکلی فضا عقب نشینی کند. شهروند دیگری درخواست گذاشتن پل هوایی بین خیابان های امام خمینی ۷۶ و ۷۷ را به دلیل وجود مدارس مختلف مطرح کرد. همچنین یکی از شهروندان از شکسته شدن سنگ فرش های بین خیابان کوهسنگی ۱۴ تا ۲۲ خبر داد. شهروند دیگری درباره ازبین رفتن آسفالت خروجی پایانه شهید خلیل پور اطلاع داد. علاوه بر این، یکی از شهروندان از مسدود شدن چاه در انتهای کوچه سرشور ۱ و حفاری خطرآفرین آن گلایه کرد. در یکی از تماس ها نیز درخواست اصلاح هندسی نبش کوچه شوش ۴ مطرح شد.

نجمه موسوی زاده | شهردار منطقه ۸ مطابق هر ماه، در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ حضور یافت تا به صورت مستقیم پاسخگوی شهروندان باشد. در این نوبت، ۱۱ تماس مردمی ثبت شد که بیشتر آن ها به حوزه های فنی و عمرانی مربوط بود. این برنامه با هدف تسریع در رسیدگی به درخواست ها و ایجاد ارتباط نزدیک تر با شهروندان اجرایی شود.



در حاشیه

شهردار منطقه ۸ با ۲ نفر از شهروندانی که پیش از این با سامانه ارتباطات مردمی ۱۳۷ تماس گرفته و مشکلاتشان در حوزه فنی و عمران را مطرح کرده بودند، تماس تلفنی گرفت تا شخصا جویای اجرای درخواست آن ها شود.

شهردار محله پیگیری می کند

شهردار محله نصب پل هوایی بین خیابان های امام خمینی ۷۶ و ۷۷ را پیگیری می کند.

حوزه شهرسازی

۲ تماس برقرار شد. یک شهروند از فک پلمب یکی از ساختمان های در حال ساخت و ایجاد مزاحمت آن در کوچه جهان آرای ۱۱ خبر داد و شهروند دیگری از مزاحمت های ساخت وساز یک ساختمان بین کوچه های سرشور ۹ و ۱۱ گلایه کرد.



حوزه خدمات شهری

یک تماس ثبت شد که در آن، شهروند درخواست شست و شو و نظافت جوی داخل کوچه امام رضا ۳۵ را داشت.



حوزه حمل و نقل و ترافیک

۲ تماس به ثبت رسید؛ یکی از شهروندان درخواست جانمایی درست تابلو ترافیکی «ورود ممنوع» در کوچه باغ عنبر را داشت و دیگری از نصب چراغ راهنما در خیابان ثامن الائمه(ع) تشکر کرد.

درباره بنای هویتی کوچه سعدی ۳ که چن

رد پای روضه ۱۸۰ ساله

گوشه ای از تاریخ هشتاد ساله
صحنه ای که انگار از دل نقاشی
این خانه سال ها محل زندگی
خانه ای که خاطره روضه ها
حافظه اهالی محله جنت زنده
در دهه ۹۰، خانه در سکوت

نجمه موسوی زاده در میان مغازه های صوت و تصویر خیابان
سعدی، یکی از کوچه های باریک به خانه ای آجری بادی
چوبی می رسد؛ خانه ای که نگاه هر عابری را به خود جلب
می کند. دالان آجرچین خانه، رهگذران را به حیاطی دنج
و دل نشین می رساند؛ حیاطی با حوض فیروزه ای رنگ،
گلدان های شمعدانی و پنجره های قدی چوبی که هر کدام



اتاق هایی با رنگ ها و قصه های مختلف

او با مشورت معماران مختلف، سرانجام سال ۱۴۰۰ کار
مرمت خانه را آغاز کرد و پس از دو سال، در پایان سال ۱۴۰۲
درهای بوتیک هتل به روی دوستان فضا های
تاریخی گشوده شد.

به گفته نخعی، این خانه حدود هفتصد متر وسعت دارد
و شامل هفت واحد اقامتی است؛ هر کدام از این واحدها
با متریا، رنگ و اکسسوری متفاوت طراحی شده اند
تا مهمانان در هر بار اقامت، تجربه ای تازه و شخصی
داشته باشند. نام هایی چون «باغ نشین»، «شاه نشین»،
«گل نشین»، «ماه نشین»، و «دنج نشین» بر در هر واحد
نشسته است؛ نام هایی که خود به تنهایی بوی صفا و
آرامش می دهد.

هر اتاق این خانه، دنیایی خاص برای خودش دارد؛
سقف برخی اتاق ها با تیرهای چوبی و به سبک «پرواز»
ساخته شده، سبکی که به فضا گرما و صمیمیتی خاص
بخشیده است. دیوارها و دکور هر اتاق با رنگ متفاوتی
تزئین شده است؛ یکی سبز که حس زندگی می بخشد،
دیگری قرمز پر شور و سومی کرم قهوه ای روشن که آرامش
و گرما را با هم دارد. هماهنگی این رنگ ها با جزئیات
دکور، حس زندگی را در گوشه و کنار خانه جاری کرده است.
کف پوش اتاق هانیز چشم نواز است؛ کاشی های رنگارنگ
با نقش و نگار گل دار همچون فرش از طرح های ایرانی
زیر پا قرار دارند، به طوری که با هر قدم، بیننده به مهمانی
رنگ ها می رود؛ کاشی کاری هایی که یاد باغ های ایرانی
و هنر دیرینه کاشی کاری ایرانی را در ذهن زنده می کنند.
نمای خانه نیز دیدنی است؛ از آجرهای کوتاهی که با
نظم و دقت روی هم چیده شده اند تا شکست هایی که
بر چهره بنا نشسته است. نخعی می گوید: بخشی از نما
فروریخته و آجرهایش به خاک تبدیل شده بود. هنگام
مرمت، همان آجرها را احیا کردیم ولی چون کافی نبودند،
بخش دیگری از آجرها از خانه های قدیمی اطراف حرم
مطهر تهیه شد.

درست پشت حوض، راه پله هایی باریک به چشم می خورد
که به آب انبار قدیمی خانه می رسد؛ آب انباری که هنوز
بوی رطوبت و خنکای گذشته را در خود دارد. نخعی
می گوید این بخش هنوز مرمت نشده، اما قرار است در
آینده نزدیک، به اتاق نمک یا حمام ترکی تبدیل شود.

دالان آجری، یادگاری از خانه ای فراموش شده

در کوچه سعدی ۳، تابلو آبی رنگ قدیمی هنوز با نام «سرایی»
دیده می شود. هر چند بخشی از آن زیر جعبه تقسیم برق
پنهان مانده است، با کمی دقت می توان نام سرایی را روی
تابلو تشخیص داد. این کوچه پیچ در پیچ و پر از شکست
است که هر کدام از شکست ها به گذری باریک تر ختم
می شود و حس کشف یک گوشه فراموش شده شهر را به
رهگذران می دهد.

در اولین شکست کوچه، در چوبی و ساده اما چشم نواز خانه
آیت... ابراهیم سرایی دیده می شود که در میان بازماندگان
دست به دست شد، تا اینکه در سال ۱۳۹۹ یکی از علاقه مندان
به تاریخ و فعالان حوزه هنرداری آن را خرید. محمد ناصر
نخعی تصمیم گرفت خانه را مرمت کرده و با حفظ هویت
و معماری اصیل ایرانی، آن را به بوتیک هتل تبدیل کند.
همین شد که نام «اصالت» بر سر در این خانه نشست؛ نامی
که شایسته تاریخ و معماری این بناست.

نخعی، مالک جوان دهه شصتی،
درباره روزی که برای بازدید از این
خانه آمده است، می گوید: چند خانه
قدیمی دیده بودم تا یکی را برای
ساخت هتل انتخاب کنم. اما وقتی
وارد حیاط این خانه شدم، انگار
میخکوب شدم. خانه حدود ۱۰ سال
متروکه مانده و بخشی از نما آسیب دیده بود و برگ های
خشک تا ارتفاع یک متر، حیاط را پوشانده بود.

اما هیچ کدام از این ها برای نخعی اهمیت نداشت. او
نمی توانست از بنای آجری خانه و پنجره های چوبی و زیبایش
چشم بردارد. همان جاتصمیمش را گرفت: «می دانستم در
برخی شهرها خانه های قدیمی را به بوتیک هتل تبدیل
کرده اند. با دیدن این بنا، این ایده در ذهنم قوت گرفت».
از همان زمان، تصمیمش را جدی تر دنبال کرد. به شهرهای
مختلف از جمله شیراز، اصفهان، کاشان و تهران سفر کرد
تا بوتیک هتل های مختلف را از نزدیک ببیند و تجربه
کسب کند: «با توجه به اینکه بیش از ۵۰ درصد هتل های
کشور در مشهد است، جای چنین فضایی در این شهر
خالی بود. هر چند هزینه مرمت بناهای تاریخی چند برابر
تخریب و ساخت هتل آپارتمان است، تصمیم گرفتم این
خانه را حفظ کنم».



وسایل عتیقه و نوستالژیک در هر گوشه

یکی از ویژگی های برجسته این بوتیک هتل، جان بخشی به گذشته با
استفاده از اشیای قدیمی است. وسایل عتیقه و نوستالژیک در گوشه گوشه
خانه جا خوش کرده اند؛ کیوسک زرد رنگ تلفن در گوشه حیاط، آینه و
شمعدان صدساله روی طاقچه، چمدان چرمی قدیمی در راهرو، کوزه سفالی
و سماور زغالی مقابل سالن ورودی، هر کدام از این ها همانند در پیچه ای
کوچک، شمارا به سال های دور می برد، به بوی حیاط خانه پدر بزرگ



و مادر بزرگ و خاطراتی که هنوز در ذهن زنده اند.
نخعی می گوید: اینجا مکاناتش بایک هتل پنج ستاره برابری می کند،
اما بیش از هر چیز، حس خانه را دارد؛ خانه ای که گرمایش را از همین
سبک و سیاق قدیمی اش و نه از تجمعات مدرنش می گیرد.
طراحی آرام و اصیل فضا باعث شده است این خانه فقط جای اقامت
نباشد. رهگذران و دوستانان بافت تاریخی شهر، هم می توانند در سکوت
حیاط این خانه بنشینند، جای یاقهوه ای نوش جان کنند و به تماشای
تاریخ و مرور خاطراتشان بپردازند.

د نسل از «سرابی ها» در آن ساکن بودند

خانه در خانه «اصالت»

اله این بنا را روایت می کنند: محمد ناصر نخعی، هتلدار و علاقه مند به تاریخ مشهد، آن را از ویرانی نجات داد. او به جای تخریب و ساخت هتل آپارتمان، تصمیم گرفت این خانه را حفظ کند و آن را به بوتیک هتلی با نام «اصالت» بدل سازد؛ جایی که اکنون در میان دیوارهای آجری و پنجره های بلندش، می توان رد زندگی را دوباره حس کرد.

رد پای آیت... سرابی در خانه تاریخی

امانتهازیبایی و معماری منحصر به فرد این خانه نیست که جلب توجه می کند؛ تاریخ نیز در آن نفس می کشد. همان طور که پیش تراشاره شد، این خانه روزگاری محل زندگی آیت... سرابی بوده است؛ شخصیتی که نامش برای قدیمی های محله سعدی آشناست. اما با تغییر بافت این محدوده و جایگزینی مغازه های صوت و تصویر، تعداد بسیار کمی از اهالی قدیمی در این محدوده باقی مانده اند که این خاندان را به یاد می آورند.

جالب است بدانید در همین خانه، هر ساله روضه ای برگزار می شود که قدمتی بیش از یک قرن دارد؛ مراسمی که از نخستین روز ماه محرم تا روز شهادت امام زین العابدین (ع) به مدت دوازده روز، بدون وقفه ادامه دارد. البته تاپیش از درگذشت آیت... سرابی، این روضه تنها در دهه اول محرم برپا می شد. اما پس از وفات متولی دوم در دوازدهم محرم، بنابه تصمیم متولی سوم، در روز دیگر نیز به آن افزوده شد؛ رسمی که هنوز پا برجاست.

روضه ای به قدمت بیش از یک قرن

احمد محبی، مرد شصت و هفت ساله و از قدیمی های محله که خودش هم در این روضه حضور داشته است، آیت... سرابی را به خاطر ندارد. او تعریف می کند: از

پدرم شنیده ام که حتی در زمان ممنوعیت عزاداری در دوران رضا خان، این مراسم در خانه سرابی ها برقرار بوده است.

او توضیح می دهد: صبح زود، در خانه به روی همه بازمی شد؛ هم خانم های آمدند هم آقایان. یادم است از مهمان ها با سینی های قدیمی برنجی پذیرایی می کردند؛ پذیرایی هم چیزی نبود جز چای شیرین و نان قندی.

محمد قرایی، یکی دیگر از اهالی قدیمی محله که چند سالی است از آنجا کوچ کرده، هم روایت جالبی دارد. او می گوید: تصویر می کنم روضه در خانه کناری بوتیک هتل دایر بود و هنوز هم همان جا برگزار می شود.

قرایی مکتبی می کند و ادامه می دهد: ملک کنار هتل الان در اجاره است و بیشتر به عنوان انبار از آن استفاده می کنند، اما تاجایی که ماشینده ایم، وارث در قولنامه قید کرده است که باید هر سال در محرم این روضه برپا شود.

مالک کنونی خانه، محمد ناصر نخعی، نیز از برخی بازدید کنندگان بوتیک هتل، داستان های جالبی درباره گذشته این خانه شنیده است. به گفته او، برخی می گویند زمانی مردی فرانسوی به نام پاتریک، که مسیحی بود، در این عمارت ساکن بوده است. او پس از گرویدن به دین اسلام، نامش را عبدا... گذاشته و گفته می شود در همین خانه از افراد کیمی دعوت می کرده است که به اسلام بپیوندند.

میراث ۱۸۰ ساله سرابی ها

اطلاعات مکتوب زیادی از آیت... سرابی در دست نیست و در مرکز اسناد شهرداری یا کتاب های مرتبط با تاریخ مشهد نیز اطلاعاتی یافت نمی شود. تنها سند موجود در این زمینه، مربوط به مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی است که نشان می دهد در سال ۱۳۴۴ میلگی و جوه شرعی توسط آیت... ابراهیم سرابی دریافت شده است. باین حال، از آنجا که آیت... ابراهیم سرابی پیش از این تاریخ، دارفانی را وداع گفته بود، مشخص نیست فرد یاد شده در سند دقیقاً کدام یک از خاندان سرابی است. با پرس و جو موفق شدیم یک نفر از اعضای این خانواده را شناسایی کنیم. سید مهدی سرابی، از نوادگان آیت... سرابی، کسی است که مراسم روضه را به رسم نیاکان خود در خانه مجاور بوتیک هتل برپا می کند. او آنچه را درباره این روضه قدیمی از بزرگ ترهای خود شنیده است، این گونه روایت می کند: روضه ای که در این خانه برگزار می شده، بیش از ۱۸۰ سال قدمت دارد. جد بزرگ ما، سید ابراهیم سرابی، اولین کسی بود که این مراسم عزاداری را در منزل خود در محله سراب دایر کرد و پایه های این سنت را گذاشت.

او ادامه می دهد: پس از فوت ایشان، سید ابوالقاسم سرابی، معروف به آیت... مجتهد خراسانی، برگزاری روضه را ادامه داد. بعد از فوت او در دوازدهم محرم سال ۱۳۱۱، فرزندانش مدت برگزاری روضه را به دوازده روز افزایش دادند.

محمد تقی سرابی، پسر بزرگ آیت... مجتهدی این مراسم را اداره می کرد و پس از فوت او مراسم توسط برادرش عبدالرضا که خانه اش در بالاخیابان بود، برگزار می شد؛ یعنی برای مدت کوتاهی، روضه به بالاخیابان رفت تا اینکه همسر محمد تقی سرابی، برگزاری روضه را بر عهده گرفت و این سنت به محله سراب بازگشت. سید مهدی سرابی سکونت پاتریک در این خانه را تایید کرد و افزود: در این بین «پاتریک» مردی فرانسوی برای مدت کوتاهی خانه ما سرابی ها را اجاره کرده بود. سید مهدی می گوید: خانه ای که امروز بوتیک هتل شده، همراه با چند ملک کناری، در گذشته یک مجموعه واحد بود. محوطه جلویی خانه، محل بستن قاطر و استقبال از مستمعان بود. پذیرایی سنتی هم بخشی از مراسم بود؛ آن طور که شنیده ام، ابتدا بانان سنگک، ماست و چای و سال های بعد بانان قندی و چای پذیرایی انجام می شد. این خانه را در حال حاضر به اجاره داده ام اما بارضایت مستاجر، هر سال در آن روضه را برگزار می کنم.

خاندان سرابی از خانواده های قدیمی و اصیل مشهد هستند که از دیرباز در محله سراب سکونت داشته اند؛ نام خانوادگی شان گواه این موضوع است. نواده آیت... سرابی توضیح می دهد: نام فامیل این خاندان در گذشته «موسوی خراسانی» بوده است. در زمان رضا خان و موقع گرفتن سه جلد، فامیلی آن ها به «سرابی» تغییر کرده است. بزرگان این خانواده همه از عالمان و فقهای مشهد و امام جماعت مسجد گوهرشاد بوده اند.

خانه ای که روزگاری بخشی از ملک شجاع التولیه بود

کوچه امام خمینی ۹ از ابتدا به اسم مالک اصلی زمین هایش، شجاع التولیه، که عضو نخستین انجمن بلدیة مشهد بود، نام گذاری شده بود. هنوز هم اگر نقشه های مشهد در سال ۱۳۳۳ را نگاه کنید، نام او روی این کوچه دیده می شود.

از آنجا که کوچه سعدی ۳، چند شکست دارد و به کوچه امام خمینی ۹ منتهی می شود، خانه ای که اکنون بوتیک هتل شده، در گذشته بخشی از همان

ملک شجاع التولیه بوده که توسط خانواده سرابی خریداری شده است. بهزاد چوپانکار، مشهدپژوه، توضیح می دهد: خانه ای که اکنون بوتیک هتل شده، همراه با دو خانه دیگر، در گذشته یک ملک واحد و متعلق به آیت... سرابی بوده است. در دهه اول محرم، در این ملک، روضه ای برای حضرت سیدالشهدا (ع) برگزار می شد که بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد. او می افزاید: براساس سنت قدیم مشهدی ها، روضه بانماز صبح شروع می شد و پس از آن، مهمانان با چای و نان قاق پذیرایی می شدند. این مشهدپژوه درباره قدمت و نوع معماری بنا می گوید: ساختمان

کنونی مربوط به دهه ۳۰ و پهلوی دوم است و نمونه ای از معماری ساده و بی پیرایه خراسان به شمار می آید. نورگیرهای مناسب در میانه بنا و دسترسی راحت اتاق ها به یکدیگر، در کنار سادگی کلی ساختمان، آن را چشم نواز کرده است.

او تاکید می کند: در جریان مرمت، تقریباً هیچ تغییری در ساختار اصلی خانه ایجاد نشده است؛ تنها یکی از اتاق ها با اضافه کردن دیوار از اتاق دیگری جدا شده است. باقی ساختمان، از حیاط و حوض گرفته تا همه جزئیات معماری، به شکل اصلی خود حفظ شده است.



فاطمه ماهر در کوچه پس کوچه های رباط طرق از گذشته یاد می کند

گذر عمر بر لب جوی



ایستگاه اول



○ مقابل خانه مان، یک درخت توت داشتیم و از وسط کوچه، جوی آب پهنی عبور می کرد. بچه بودیم و ظهرهای تابستان کنار جوی آب بازی می کردیم. می گفتند آب سد طرق است که به محله ما هم می آید. گاهی ماهی های کوچکی هم در آب بود. این روزها خیابان آسفالت شده است و دیگر خبری از آن جوی آب نیست.

سمیرا منشادی فاطمه ماهر در رباط طرق به دنیا آمده و بزرگ شده است. پدر و مادرش چهار سال قبل از تولد او از فریمان به مشهد نقل مکان و در رباط طرق، خانه ای اجاره کردند. فاطمه خانم و خواهر و برادرش در همان خانه متولد شدند. با آنکه هنوز جوان است و ۲۶ سال دارد، کلی خاطره ریز و درشت از کنار گوشه رباط طرق برایمان تعریف می کند. این دیبر ریاضی، شاهد نبود امکانات اولیه این محله بوده و حالا که آباد شدن محله شان را می بیند، خوشحال است و امیدوار که روزهای بهتری برای رباط طرق رقم بخورد.

ایستگاه دوم

○ انتهای رباط طرق ۶ آسیاب آبی بود. آن زمان نانوايي نداشتیم؛ به همین دلیل مردم گندم هایشان را به آسیاب آقای گلابچی می آوردند. همراه مادرم، گندم هایمان را آنجا می بردیم. آثار آسیاب تا سال ۸۵ هم باقی بود، اما به تدریج از بین رفت.



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم



○ پارک ثامن الائمه (ع) وسیله بازی نداشت. بعد از سال ها وسایل بازی آهنی آوردند؛ یک تاب و یک سرسره آهنی. با همان وسایل قدیمی دلخوش بودیم. هر بار که برای بازی می رفتیم، کلی در صف سوار شدن تاب و سرسره می ایستادم. حالا با آنکه وسایل وزمین بهسازی شده است، دیگر آن قدرها شلوغ نیست.



ایستگاه پنجم

○ در خانه هیچ یک از اهالی، حمام نبود. حمام عمومی بعد از مهدیه رباط طرق قرار داشت. آنجا هم آن قدر شلوغ بود که باید از قبل نوبت می گرفتیم. زمستان ها که از حمام بیرون می آمدیم، تا به خانه می رسیدیم، یخ می زدیم. این حمام قدیمی تا سال ۸۵ کم و بیش فعال بود و حالا خراب شده است.

ایستگاه ششم



○ کاروان سرای رباط طرز یکی از محل های بازی ما محسوب می شد. کودک بودم و با آن جثه کوچکم به بارانداز اسب ها و شترها نگاه می کردم و با خودم تصور می کردم انسان های قدیم چقدر باید قدشان بلند بوده باشد که بتوانند وارد غرفه های استراحت شوند.

○ دوران ابتدایی چون فاصله خانه تا مدرسه زیاد بود، سرویس داشتیم. یک سال زمستان، برف سنگینی آمده بود و صبح از سرویس جا ماندیم. مادرم حاضر کرد و با هم به مدرسه رفتیم. مسیر خاکی در برف پراز گل شده بود. وقتی به کلاس رسیدیم، سرتاپایم خیس و گلی شده بود. معلممان نگاهم کرد و با مهربانی اجازه داد کنار بخاری لباس هایم را خشک کنم.



محمد زمانی از خاطره پیدا شدن تلفن همراهش در یکی از محلات حاشیه شهر می گوید

حل شدن مشکل «یار مهربان»



صندوق
خاطرات

آن ها به بازی با تلفن همراه گرم شد و من و همسر هم با آن زن مشغول صحبت بودیم.

صاحبخانه تادم در، بدرقه شان کرده و کلی برای آن زن و شوهر دعا می کند. آن ها به سمت منزلشان برمی گردند. بعد از حدود نیم ساعت، هنگامی که محمد آقامی خواهد تلفن بزند، یاد موبایلش می افتد و سراغش را از پسرش می گیرد. اما تلفنی در کار نیست. آن ها مطمئن می شوند که موبایل را گم کرده اند. بازن نیازمند تماس می گیرند. او خانه را می گردد و به آن ها خبر می دهد که موبایلشان در خانه آن ها جا مانده است. محمد آقا هر چه با تلفن همراه همسرش به موبایلش زنگ می زده، کسی جواب نمی داده است.

محمد آقا تعریف می کند: محله زندگی آن زن امنیت نداشت. یاد آمد چند پسر جوان که ظاهرشان معتاد و خلافکار بود. رویه روی خانه آن زن نشسته بودند. با خودم گفتم موبایل را به طور حتم یکی از آن ها پیدا کرده است و برگشتنم فایده ای ندارد. در همین افکار بودم که دوباره همان خانم تماس گرفت و با خوشحالی گفت موبایل را در زمین خاکی رویه روی خانه شان پیدا کرده است. بنده خدا اطراف خانه را برای پیدا کردن تلفن همراهم گشته بود.

زمانی ادامه می دهد: هنگامی که موبایلم را از زن گرفتم، گفت کار خداست که تلفن همراهتان گیر معتاد های محله ما نیفتاده است. آن ها همیشه در کوچه های چرخند. اینجا حتی یک میخ، ثانیه ای روی زمین نمی ماند. تعجب می کنم که موبایل گران قیمت شما نیم ساعت جلو چشمشان بوده است و آن را ندیده اند.

محمد آقا پیدا شدن موبایلش را از دعای خیر آن زن می داند.

بعدی، کمک ها را به دستشان برساند. گاهی هم نیازمندان با او تماس می گرفتند و اعلام می کردند که چه نیاز دارند. یک بار مادری که فرزند معلول داشت، به او زنگ زد و گفت که لقمه ای نان برای خوردن ندارند و نیاز شدیدی به مواد اولیه خوراکی دارد. او که گاهی در این سرزدن ها همسر و فرزندانش را نیز همراه خود می برد، این بار هم به همراه دو پسر و همسرش راهی خانه آن زن شد.

● ○ خیر برسان تا خیر ببینی

او درباره ادامه ماجرا این طور می گوید: خانه آن زن در حاشیه شهر قرار داشت. به اتفاق خانواده به خانه فرد مورد نظر رفتیم تا بسته معیشتی را که تهیه کرده بودیم، تحویل بدهیم. آنجا که بودیم، حوصله پسرهایم سر رفته بود. موبایلم را گرفتند تا بازی کنند. سر



سمیرا منشادی آن روز پاییزی، هوا گرفته بود و باد، غبار کوچه های حاشیه ای شهر را به هوا می برد. محمد زمانی با دو پسر و همسرش در حال رساندن بسته معیشتی به خانه زنی نیازمند بودند که آن اتفاق افتاد.

او به جز دلهره ای که آن روز بر سر گم شدن تلفن همراهش تجربه کرد، صدای آن مادر نیازمند را هنوز به خوبی در خاطر دارد که از ته دل گفته بود: «خدا خیرت بدهد پسر،» و به اعتقاد محمد آقا زمانی، همان دعا گر گشتا شد.

● ○ پیش قدم برای کمک به هم نوع

محمد، کمک به هم نوع را دوست دارد و همیشه به دنبال راهی است که بتواند به آن ها کمک کند. هر زمان که یکی از اطرافیان برای نیازمندی کمک جمع می کرد، او پیش قدم می شد تا گوشه ای از کار را بگیرد. اما همواره به دنبال راهی بود که خودش به طور مستقیم با این افراد در ارتباط باشد و به آن ها کمک کند.

او می گوید: وضعیت مالی چندان مناسبی ندارم که بتوانم مانند خیران بزرگ شهرمان در مانگاه یا مسجد بسازم یا در سایر امور خیر شرکت کنم، اما دلم می خواست که به دیگران کمک کنم. تا اینکه سال ۱۴۰۲ با خیریه «محبان الرضا»^(۱) آشنا شدم.

عضو شدن در این خیریه به عنوان «یار مهربان»، در پیچه ای دیگر از خدمت به خلق را به روی محمد آقا گشود. از طریق خیریه، افرادی به او معرفی می شدند. او به عنوان یار مهربان به خانه آن ها می رفت تا نیازهایشان را از نزدیک ببیند و با وضعیتشان آشنا شود و در مرحله

نوجوان محله امام خمینی (ره) در جمع خانواده اش در مسیر قرآن قرار گرفت

حفظ قرآن از سر علاقه نه تکلیف



امید محله

● ○ در روز چقدر تمرین می کنی؟

حد اقل یک ساعت، اما گاهی اگر وقت بیشتری داشته باشم، چند آیه هم اضافه می خوانم. برای من حفظ قرآن مثل یک تکلیف نیست، بلکه از سر علاقه است و به من احساس آرامش می دهد.

● ○ تاکنون کدام جزء ها را حفظ کرده ای؟

در مدت یک سال، جزء ۳ و جزء یک و تقریباً ۲ را حفظ کرده ام. هر جزء را که حفظ می کنم، حس موفقیت و انگیزه بیشتری برای ادامه مسیر به من می دهد.

● ○ از حضورت در مسابقه بگو.

سال گذشته در مسابقات حفظ «یک جزء» ارتش شمال شرق شرکت کردم. با اینکه کمی استرس داشتم، وقتی شروع به خواندن کردم، همه چیز خیلی خوب پیش رفت و توانستم بدون هیچ اضطرابی، آیاتی را که پرسیده شد، از حفظ بخوانم و مقام اول را کسب کنم.

● ○ فعالیت های ورزشی یا هنری هم داری؟

بله. در کلاس فوتبال و زبان انگلیسی شرکت می کنم. فوتبال برایم بیشتر جنبه تفریحی دارد. همچنین علاقه زیادی به دوچرخه سواری دارم و بیشتر اوقات فراغتم را با دوستانم یا حتی به تنهایی دوچرخه سواری می کنم.

● ○ برای آینده چه برنامه ای داری؟

می خواهم به یاری خدا حافظ کل قرآن شوم و در این مسیر دوستانم را هم تشویق کنم تا به تلاوت و حفظ قرآن روی بیاورند.

● ○ چه چیزی باعث شد حفظ را ادامه دهی؟

کلاس های حفظ قرآن مسجد خشک و رسمی نبود. استاد بعد از کلاس با مسابقه فوتبال یا بازی های گروهی، ما را تشویق می کرد که حضور فعال داشته باشیم. همین روش باعث شد که حفظ قرآن برایم لذت بخش باشد.

● ○ چگونه تمرین می کنی که آیات را فراموش نکنی؟

اول صدای استاد منشاوی را گوش می کنم، سپس هر صفحه را حد اقل پانزده بار تکرار می کنم تا کاملاً حفظ شوم. بعد از آن از خانواده می خواهم گوش کنند و ببینند درست حفظ کرده ام یا نه. این کار باعث می شود مطمئن شوم که نکته ای را فراموش نکرده ام.



نجمه موسوی زاده با اینکه پسر بچه ای بازگوش بود. هر گاهی دیدم مادر و خواهرش مشغول تلاوت قرآن هستند. آرام و بی صدا می نشستند تا حواس آن ها را پرت نکند. همین تماشای حفظ قرآن باعث شد محمد امین رسا، نوجوان یازده ساله محله امام خمینی^(۲)، به حفظ آیات الهی علاقه مند شود. او در حال حاضر حافظ دو جزء و نیم قرآن و دارنده مقام اول مسابقات حفظ «یک جزء» ارتش شمال شرق است.

● ○ از کی حفظ قرآن را شروع کردی؟

از حدود یک سال پیش. البته قبل از آن در کلاس قرآن، روان خوانی یاد گرفته بودم. آن زمان تازه بالذت خواندن قرآن آشنا شده بودم.

● ○ چه شد که به سمت حفظ رفتی؟

از بچگی سوره های کوچک را حفظ کرده بودم اما وقتی صدای استاد منشاوی را در خانه، موقع تمرین مادر و خواهرم می شنیدم، دلم می خواست من هم بتوانم مانند آن ها حافظ قرآن شوم. این حس و تشویق های خانواده ام کمک کرد که به حفظ روی بیاورم.

● ○ در کلاس خاصی شرکت می کنی؟

از حدود یک سال پیش در کلاس های حفظ قرآن مسجد علی بن ابی طالب^(۳) شرکت می کنم. استادمان آقای ابراهیمی با مهربانی و دلسوزی، ما را راهنمایی می کند و تمرین ها و روش هایش باعث می شود هر جلسه کلاس به نوعی جذاب باشد.



با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، مشکل ترکیدگی لوله آب رفع شد

نجات آب در کوهسنگی ۲۰



بازخورد

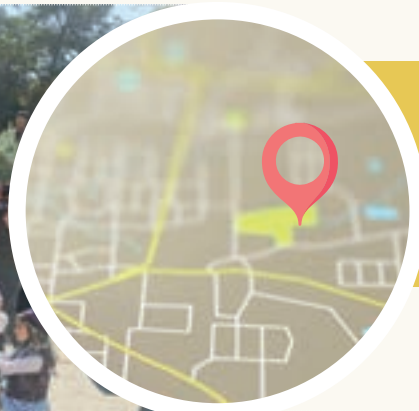


نجمه موسوی زاده این روزها که کمبود آب یکی از مشکلات مهم کشور است و مدام در رسانه‌ها در موردش صحبت می‌شود، در برخی نقاط شهر ترکیدگی لوله به دلیل فرسودگی زیرساخت رخ می‌دهد. بی‌توجهی به این مشکل باعث شده اینبار مردم در حوزه آب، مطالبه‌گری کنند.

به دنبال تماس یکی از شهروندان محله شهید بهشتی با شهرآرامحله درباره ترکیدگی لوله آب در خیابان کوهسنگی ۲۰، این موضوع به سید محمود ثریایی، رئیس اداره فضای سبز منطقه ۸، منتقل شد.

نیروهای این اداره بلافاصله در محل حاضر شدند و با انجام اقدامات لازم، مشکل را در کوتاه‌ترین زمان ممکن برطرف کردند.

محله به روایت شما



هفته پیش در خانه ملک، نمایشگاه آشنایی با فرهنگ و آیین‌های مختلف ایرانی برگزار شد. بچه‌ها لباس‌های محلی پوشیده بودند و با عروسک «چولی قزک» بازی می‌کردند و دور حوض آب برای آمدن باران دعا می‌کردند. استفاده از ظرفیت‌هایی مانند خانه ملک برای این رویدادها کار جالبی است.

تصویر و متن از حسن اسماعیلی، محله امام خمینی(ره)



نوجوانان را از طرف پایگاه شهید بهشتی حوزه ۴ عمار در مسجد حضرت ابوالفضل(ع)، پیاده به حرم بردیم. در راه آن‌ها پذیرایی شد و وقتی هم به حرم رسیدند، زیارت امین... خواندند و با آداب زیارت آشنا شدند.

تصویر و متن از قاسم غفرانی، محله شهید بهشتی



من و دخترم در جشن روز جهانی کودک در بوستان شهربانوی کوهسنگی شرکت کردیم. در این برنامه، بعضی بازی‌ها مادر و دختری بود. خیلی به ما خوش گذشت. از طرفی دخترم یاد گرفت چطور باید زباله‌ها را در خانه تفکیک کند. این نوع آموزش که با نقاشی و بازی همراه است، در ذهن بچه‌ها می‌ماند.

تصویر و متن از مهناز فرشیدی، محله پروین اعتصامی